



مدیریت اسلامی و الگوهای آن

مؤلفین

دکتر لطف‌الله فروزنده دهکردی - علی‌اکبر جوکار

ناشر: دانشگاه پیام‌نور

تابستان ۱۳۸۶

فهرست

شش	مقدمه	
۱	فصل اول: سیری در مدیریت اسلامی	
۱۱	فصل دوم: منابع و متون اسلامی	
۲۳	فصل سوم: مبانی مدیریت اسلامی	
۴۱	فصل چهارم: نظام ارزشی اسلام	
۶۹	فصل پنجم: تجلی ارزشهای اسلامی در عرصه مدیریت	
۸۳	فصل ششم: اهداف حکومت اسلامی	
۱۰۱	فصل هفتم: عدالت در مدیریت اسلامی	
۱۴۷	فصل هشتم: اهمیت مدیریت در مسئله غدیر خم	
۱۷۵	فصل نهم: نقش اقتصاد در مدیریت اسلامی	
۲۰۱	فصل دهم: سیره فردی و مدیریتی حضرت امام خمینی (ره)	
۲۳۱	فصل یازدهم: مدیریت در قانون اساسی جمهوری اسلامی	
۲۴۹	فصل دوازدهم: روشها و اصول مدیریت اسلامی	
۲۵۱	بخش اول: اصول مدیریت اسلامی از دیدگاه صاحب‌نظران	
۲۷۰	بخش دوم: برنامه‌ریزی	
۲۸۳	بخش سوم: انگیزش	
۲۹۷	بخش چهارم: رهبری	
۳۱۵	بخش پنجم: نظارت و کنترل	
۳۵۰	بخش ششم: تصمیم‌گیری	
۳۶۱	فصل سیزدهم: ویژگی‌های مدیر اسلامی	
۳۸۱	کتابنامه	

«به نام آنکه جان را فکرت آموخت»

مقدمه

مدیریت در زندگی بشری جایگاهی ویژه دارد. اصولاً بشر به مدد مدیریت به دنبال استفاده مطلوب از امکانات و منابع عالم هستی بوده و هست، نوع نگاه و نگرش انسان به عالم هستی، روش و نوع مدیریت او را مشخص می‌کند؛ نوع نگاه مدیریت غربی نهایتاً منجر به افزایش بهره‌وری است؛ اما از آنجا که در این نوع نگاه مدیریتی انسان و شخصیت انسان به عنوان محور اصلی مورد توجه قرار نگرفته، لذا از این بابت خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره مدیریت جهان امروز وارد شده است.

مکتب انسان‌ساز اسلام به دنبال تربیت خلیفه الهی، یعنی انسان الهی که مظهر صفات مال حق تعالی است؛ برای رسیدن به این هدف عالی، مجموعه‌ای از دستورات الهی در قالب اعتقادات، احکام و اخلاق بیان شده است. با توجه به جامعیت و فراگیر بودن اسلام به عنوان آیین زندگی، نوع نگاه اسلام به مدیریت مشخص خواهد شد. در این مجموعه با چهارچوبی مشخص و با مدد از دیدگاه علمای بزرگ اسلام، بخشی از نوع نگاه اسلام به مدیریت در بُعد مبانی و روش مدیریت در سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بیان شده است.

در ضرورت بررسی این مطلب، همین بس، که نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک الگو در دنیا مطرح است. علی‌رغم همه سختیها شاهد تلاشی بیست و هفت ساله بوده‌ایم که بی‌شک زیبایها و نقاط قوت آن به خاطر توجه به اصول اسلامی، و نقاط ضعف آن مربوط به بی‌توجهی به فرهنگ اسلامی و عملکرد سلیقه‌ای بوده است، دنیای امروز الگوی ارزشمند رهبری و مدیریت را رهبری پرفروغ و عظیم امام عظیم‌الشان

راحل، حضرت امام خمینی (ره)، و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌بیند. دنیا
الگوی مدیریت هشت سال دفاع مقدس را به عنوان یک تجربه عملی در پیش‌رو دارد
که سرشار از نکات ظریف و لطیف مدیریتی است که همه برپایه عشق الهی و خود
مدیریتی بنا شده است. به هر حال امید است با نقد و بررسی در آینده بر غنای این
مجموعه افزوده گردد. ماتوفیقی إلابالله‌العلی‌العظیم.

لطفاً... فروزنده

علی‌اکبر جوکار

فصل اول

سیری در مدیریت اسلامی

اهداف رفتاری

- پس از مطالعه این فصل دانشجو می‌تواند:
۱. اهمیت مدیریت را درک کند.
 ۲. مدیریت در اسلام را شرح دهد.
 ۳. زوایای حکومتی و مدیریتی اسلام را بشناسد.
 ۴. بهترین شیوه مدیریت را بشناسد.
 ۵. هدف مکتب اسلام را بشناسد.
 ۶. اهداف و رسالت پیامبران و امامان را بداند.
 ۷. دیدگاه‌های پیامبر اسلام (ص) و سایر ائمه اطهار درباره اهمیت مدیریت در جامعه را درک کند.
 ۸. هدف از خلقت انسان را بیان کند.

اهمیت مدیریت

انسانها به صورت اجتماع زندگی می‌کنند و به شکل یک گروه به دور هم جمع می‌شوند و سیر زندگی را ادامه می‌دهند؛ طبیعی است هر اجتماع و گروه احتیاج مُبرم به یک رهبر یا مدیر برای هدایت و نظام‌مندی خود دارد. مدیریت اجتناب‌ناپذیر در جوامع بشری

است که هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در جوامع مختلف بشری - بسته به ایدئولوژی و مکتبی که با آن در حال رسیدن به اهداف خود هستند - اندیشه‌های متفاوتی وجود دارد که دیدگاه هر کدام را درباره هر مطلب بیان می‌کند.

در مورد مکتبها و شیوه‌های خاص مدیریت در غرب بسیار بحث شده است و اما در مورد شیوه‌های مدیریت در اسلام، و نیز درباره بحث کلیت وجود مدیریت در اسلام بسیار اندک و کوتاه بحث شده است. در حالی که اسلام کاملترین مکتب بشری است که از طرف خداوند برای رساندن انسان به هدف اصلی خلقت؛ یعنی، تقرب الی‌الله فرستاده شده است. پس خداوندی که خود انسان‌ساز است، مسلماً صحیح‌ترین برنامه را برای هدایت آنها تدارک دیده است. باید گفت اسلام اقیانوس عظیمی است که هرچه در مباحث آن اندیشه کنی باز کم است.

مدیریت از مهمترین مباحث جهان امروز است که با آن می‌توان به دنیای بشریت کمکهای شایانی کرد. زیرا جامعه بشری برای رسیدن به هدف، به مدیرانی احتیاج دارد که هم هدف را خوب بشناسند و هم ابزار رسیدن به آن هدف را. همان‌طور که استاد مطهری می‌فرماید: «مدیریت صحیح از ضعیف‌ترین ملت‌های دنیا قوی‌ترین ملت‌ها را می‌سازد. آن چنانکه رسول اکرم (ص) عمل کرد، این معجزه رهبری است.»^۱ از دیدگاه استاد مطهری بهترین شیوه مدیریت همان است که رسول اکرم (ص) در جامعه بدوی و عقب‌مانده عربستان انجام داد و آنها را از عقب افتادگی به پیشرفت و ترقی رساند. همان‌طور که امام (ره) می‌فرماید: «هدف ربوبیت و رهبری در اسلام تبلور بخشیدن به اسماء حسناى الهی و عینیت بخشیدن به ارزشهای انسانی - اخلاقی است.»^۲

بنابراین اسلام مکتبی است هدفمند و هدف آن تقرب به خداست و تمام برنامه‌ها و اندیشه‌هایش در راستای رسیدن به این هدف است و مدیریت اسلامی هم جزئی از این برنامه‌ها است. در شیوه مدیریت اسلامی انگیزه‌های فردی و گروهی جهت‌دهنده نیست. جهت‌دهنده، ارزشهای انسانی است بنابراین تمام تلاشهای مدیر بر مبنای حق و در جهت آرمانهای حق‌طلبی و حق‌جویی است و اگر بر سر دو راهی حق و حکومت قرار گیرد، قطعاً حق را انتخاب می‌کند. از آنجایی که اسلام آیین همه پیامبران است

۱. امدادهای غیبی، ص ۶۸

۲. مدیریت رشد در آینه اندیشه‌ها، ص ۳۱

(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)، مدیریت انبیای الهی عمدتاً براساس این شیوه بوده و علت اصلی اینکه آنها کمتر موفق به تشکیل حکومت و یا تداوم آن شده‌اند، شیوه مدیریت آنها بود که آنها حکومت را حق می‌دانستند، اما دیگران حق را برای حکومت.

حکومت برای رسیدن به حق، مبنای مدیریت و حکومت اسلامی است. برای رسیدن به این هدف باید اسلام را خوب بشناسیم و از طرفی زوایای حکومتی و مدیریتی اسلام را خوب بررسی کنیم. در این رابطه آیت... مصباح می‌گوید: «ما تا نظام ارزشی خودمان را آگاهانه نشناسیم و آن را تبیین نکنیم، برتری آن را به سایر نظامهای ارزشی ثابت نکنیم، نمی‌توانیم ادعا کنیم که یک نظام مدیریت صحیح یا مدیریت ارزشمندی را می‌توانیم ارائه بدهیم.»^۱

پس آن‌طور که مشخص شد ما باید ابتدا خوب اسلام را بشناسیم. هدف اسلام را برای انسان مشخص کنیم. انسان را از دیدگاه اسلام بشناسیم و برای این انسان برنامه مدیریت اسلامی را تبیین کنیم.

مدیریت در اسلام

ابتدا باید به آفرینش انسان از دیدگاه قرآن اشاره کنیم: خداوند در قرآن کریم در سوره روم، آیه ۲۰ چنین می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ إِنَّ خَلْقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ»

در ترجمه آن می‌خوانیم: «یکی از قدرتهای خدا این است که شما آدمیان را از خاک خلق کرد، سپس که بشری شدید، در همه روی زمین منتشر شدید.»

بعد از آفرینش انسان به این نکته برمی‌خوریم که خداوند بزرگ، دنیایی با این عظمت را برای انسانها خلق کرده است. همان‌طور که در سوره مؤمنون آیات ۱۷، ۱۸ و ۱۹ چنین می‌فرماید:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷) وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (۱۸) فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّحِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹)»

«و همانا فوق شما هفت آسمان را فراز یکدیگر آفریدیم و لحظه‌ای از توجه به خلق غافل نبوده و نخواهیم بود (۱۷) ما برای شما آب را بقدر معین از آسمان رحمت در زمین نازل ساختیم و محققاً بر نابود ساختن آن نیز قادریم (۱۸) آنگاه ما با آن آب برای شما باغها و نخلستانهای خرما و انگور ایجاد کردیم و میوه‌های گوناگون بسیاری که از آن تناول می‌کنید، آفریدیم (۱۹)»

و نیز خداوند در آیه ۱۲۹ سوره بقره از جانب حضرت ابراهیم (ع) چنین می‌فرماید:

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»

«پروردگارا فرزندان ما را شایسته آن گردان، که از میان آنها رسولانی برانگیزی تا بر مردم تلاوت آیات تو کنند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموز و روانشان را از زشتی منزه ساز، تویی که در همه عالم قدرت و علم کامل داری.»

خداوند با این برنامه انسانها را آفرید و جهانی به این عظمت برای آنها خلق کرد تا آنها بتوانند با آسایش زندگی کنند و انسانها را خلیفه‌الله قرار داد و برای انسانها از نوع خودشان رسولانی را فرستاد تا برای رسیدن به هدف واقعی، راهنما و هدایتگر انسانها باشند. از این مطلب می‌توان فهمید که مدیریت در جوامع بشری آنقدر مهم است که خداوند رسولانی را برای سرپرستی و هدایت بشر می‌فرستد و هرگز انسانها را بدون مدیر و راهنما و رهبر نمی‌گذارد.

موضوع مدیریت در جوامع بشری آنقدر مهم است که تمام مکتبهای غربی درباره آن بحث کرده‌اند. اسلام هم که یک مکتب آسمانی است. در این باره نیز بحث کرده است و اصلاً هدف رسالت پیامبران و امامان رساندن پیام الهی، امامت و رهبری در جوامع بشری است. وجود و اهمیت مدیر در جوامع بشری آنقدر مهم است که هنگامی که حضرت موسی (ع) به امر خدا به مدت ۴۰ روز به دیدار و ملاقات خداوند در کوه طور می‌رود برادر خود هارون را - که نیز پیامبری از پیامبران خدا بود - جانشین خود می‌کند. خداوند در سوره اعراف آیه ۱۴۲ چنین می‌فرماید:

«وَإِذْ نَادَىٰ مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»

«و ما با موسی سی شب وعده قرار دادیم. چون پایان یافت، ده شب دیگر بر آن افزودیم تا آنکه زمان وعده به چهل شب تکمیل شد و موسی به برادر خود گفت تو اکنون پیشوای قوم من باش و راه اصلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش.»

در این آیه یکی از صحنه‌های زندگی بنی اسرائیل و درگیری موسی با آنها مشاهده می‌شود؛ و آن جریان، رفتن موسی به میعادگاه پروردگار و گرفتن احکام الهی است. در این چند روز موسی بدان جهت که قومش بی‌سرپرست نباشند، به برادر خود هارون می‌گوید رهبری و مدیریت قوم را برعهده بگیرد.

این آیات نشان می‌دهد که جامعه هرگز نباید بی‌رهبر باشد و انبیاء حق، نقش رهبر نیز داشته‌اند. پس آن‌قدر وجود مدیر در جامعه مهم است که خداوند در قرآن بارها به آن اشاره کرده است در آخرین حج (حجۃ‌الوداع) پیامبر اسلام (ص)، در راه بازگشت، آیه‌ای بر رسول نازل شد که:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱

«ای پیغمبر آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ داشت، بیم مکن و دل قوی دار که خدا گروه کافران را به هیچ راه موفقیتی راهنمایی نخواهد کرد.»

لحن سخن در اینجا نشان می‌دهد که خداوند خطاب به حضرت رسول (ص) فرموده‌اند که: موضوع - امامت را به مردم ابلاغ کند وگرنه رسالتش ناتمام می‌ماند. این تأکید فراوان برای این است که رسول جانشین و مدیر بعد از خود را معرفی کند. این آیه درباره حضرت علی (ع) بیان شده است. پیامبر (ص) بعد از شنیدن این آیه کاروانیان را در کنار غدیر خم نگه می‌دارد و منتظر می‌شوند که آنها هم که از کاروان عقب مانده‌اند، برسند و بعد علی (ع) را به عنوان ولی و مدیر بعد از خود معرفی می‌کنند. ضرورت اهمیت مدیریت در این مسئله آن‌قدر خوب به چشم می‌خورد که دیگر برای بحث جایی نمی‌گذارد.

ضرورت مدیریت در اسلام به زیبایی در رفتار و کردار و نیز سخنان پیامبران و

ائمہ اطہار (ع) مشخص است. که حضرت امام رضا (ع) می‌فرمایند:
 «در مطالعه احوال بشر هیچ گروهی و ملتی را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر به وجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنان را مدیریت نماید.»^۱

این حدیث نیز اهمیت و ضرورت مسئله مدیریت در جامعه انسانی را روشن می‌کند. مدیریت در اسلام از همان آغاز خلقت وجود داشته است. وقتی که خداوند انسانها را آفرید و دعوت به خداپرستی کرد، همزمان مدیریت اسلامی نیز به وجود آمد. جانشین کردن هارون به جای موسی، جانشینی حضرت علی (ع) به جای پیامبر (ص) نمونه‌های بارز آن است. مدیران حکومت اسلامی همان حاکمان و رهبران جامعه اسلامی هستند و انسان را به سمت هدفی والا که همانا تقرب الهی است، هدایت می‌کند. رسالت انبیا از اولین تا آخرین آنها همین بوده و رسالت امامان و نیز مدیران اسلامی نیز همین است زیرا هدف آفرینش همین یک جمله است: «تقرب الهی».

همان‌طور که خداوند در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید:

«وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»

«پیامبر بدین جهت مبعوث شد تا با مدیریت خویش، بار سنگین و کمرشکن را از دوش انسانها بردارد و زنجیرهایی که برگردن روح نهاده شده است، بگشاید».

پس اساس و فلسفه بعثت پیامبر را باید در همین موضوع پیدا کرد، زیرا همان‌طور که تمام ادیان در دین اسلام خلاصه می‌شوند، رهبری و مسئولیت پیامبران - که از آنان به مدیران الهی می‌توان تعبیر کرد - نیز برای برپایی این هدف و برقراری دین مبین اسلام در کل جهان و از اول تا ابد بوده است. همان‌طور که استاد شهید مطهری می‌فرماید: «انسان با اینکه از نظر نیروها مجهزترین موجودات است و اگر بنا بود با غریزه رهبری شود، می‌بایست صد برابر حیوانات مجهز به غرایز باشد، در عین حال از نظر غرایزی که او را از داخل خود هدایت و رهبری کنند، فقیرترین و ناتوان‌ترین موجود است، لهذا به رهبری، مدیریت و هدایت از خارج نیاز دارد. این همان اصلی است که مبنا و فلسفه بعثت پیامبران است. هنگامی که فلسفه بعثت انبیا را

مورد بحث قرار دهیم، متکی به اصل نیاز بشر به راهنمایی و رهبری است.^۱

حکومت و ولایت پیامبران و ائمه اطهار تماماً از جانب پروردگار بوده است و طی یک برنامه منظم تنظیم شده است و حکومت واقعی و مدیریت اصلی در اسلام از جانب خداست و خداوند نماینده‌های خود را در جهان به عنوان امام و رهبر معرفی کرده است تا آنها وظیفه مدیریت در جوامع بشری را برعهده گیرند. همان‌طور که حضرت علی (ع) در جواب «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» خوارج چنین می‌فرمایند: «سخن حقّی است، که از آن اراده باطل شد!» آری، درست است. فرمانی جز فرمان خدا نیست. ولی اینها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند. تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، و...^۲

پس حکومت و مدیریت در اسلام به نحو احسن وجود دارد. و از طرفی خداوند برای آن برنامه‌ای تنظیم شده است و مدیریت یکی از اصول هدایت انسانها به سوی هدف والای انسانی است.

الف) سؤالات تشریحی

۱. هدف اصلی از خلقت انسان چیست؟
۲. اهمیت مدیریت را شرح دهید.
۳. زوایای حکومتی و مدیریتی اسلام کدامند؟ شرح دهید.
۴. بهترین شیوه مدیریت کدام است؟ بررسی کنید.
۵. حکومت و ولایت پیامبران و ائمه اطهار از جانب چه کسی است؟ شرح دهید.
۶. منظور از آیه «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» چیست؟ شرح دهید.
۷. هدف رسالت پیامبران و امامان کدام است؟ شرح دهید.
۸. هدف از حادثه غدیر خم چه بود؟ شرح دهید.
۹. هدف از آفرینش انسان چیست؟ با ذکر مثال شرح دهید.

۱. امدادهای غیبی، ص ۱۱۳

۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۰ ص ۹۳

ب) چهارگزینه‌ای

۱. هدف از رسالت پیامبران و امامان کدام گزینه است؟
(الف) رساندن پیام الهی
(ب) ایجاد مساوات و برابری
(ج) از بین بردن ظلم و فساد در روی زمین
(د) برقراری حکومت
۲. از دیدگاه حضرت امام رضا (ع) پایداری و موفقیت ملت‌ها کدام است؟
(الف) کاهش اختلافات
(ب) مدیریت مادی و معنوی آنها
(ج) افزایش توان اقتصادی
(د) ارج نهادن به علم
۳. در شیوه مدیریت اسلامی انگیزه‌های جهت‌دهنده نیست، بلکه جهت‌دهنده، است؟
(الف) انگیزه‌های فردی - انگیزه‌های گروهی
(ب) منافع فردی - منافع گروهی
(ج) انگیزه‌های فردی و گروهی - ارزشهای انسانی
(د) میزان ستانده - منافع جمعی
۴. کدامیک از گزینه‌های زیر از اصول هدایت انسانها به سوی هدف والای آنها (تقرب به خدا) است؟
(الف) رساندن پیام الهی
(ب) اجتناب‌ناپذیری مدیریت
(ج) عینیت بخشیدن به ارزشهای اخلاق
(د) حکومت و مدیریت اسلامی
۵. کدامیک از گزینه‌های زیر مشخص‌کننده نوع مدیریت در جوامع است؟
(الف) سطح فرهنگ
(ب) نوع تکنولوژی
(ج) سطح آموزش جامعه
(د) هیچکدام

۶. ستاده نهایی نگرش مدیریت غربی کدام است؟
الف) شناخت توانایی انسانها
ب) افزایش بهره‌وری
ج) تربیت انسانها
د) ایجاد رفاه عمومی
۷. تعیین هارون به جانشینی حضرت موسی (ع) (در زمان رفتن به میعادگاه پروردگار) بیانگر کدام بند زیر است؟
الف) اهمیت مدیریت در جوامع بشری
ب) کاهش اختلافات بنی اسرائیل
ج) تبلیغ رسالت موسی
د) آزمایش بنی اسرائیل
۸. کدامیک از گزینه‌های زیر از وظایف مدیران حکومت اسلامی در مورد افراد جامعه است؟
الف) کمک در جهت رسیدن به قرب الهی
ب) عینیت بخشیدن به ارزشهای انسانی
ج) ایجاد انگیزه جهت کمک به هم‌نوع
د) تلاش در جهت رفاه جامعه
۹. موضوع امامت حضرت علی (ع) در چه زمانی از طرف حضرت رسول (ص) اعلام گردید؟
الف) در سال اول بعثت
ب) در حج الوداع
ج) در زمان هجرت
د) در پیش از جنگ بدر
۱۰. کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر مفهوم آیه «وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَمْرَهُمْ وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» است؟
الف) تبلور بخشیدن به اسماء حسناى الهی
ب) خالی نبودن زمین از خلیفه الهی در هیچ زمانی
ج) عینیت بخشیدن به ارزشهای انسانی و اخلاقی
د) برداشتن بار سنگین مدیریت از دوش انسانها

فصل دوم

منابع و متون اسلامی

اهداف رفتاری

دانشجو باید پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. دلایل شناخت منابع فکری اسلام را شناسایی کند.
۲. منابع فکری در اسلام را نام ببرد.
۳. اهمیت اساسی‌ترین منبع فکری اسلام یعنی قرآن را درک کند.
۴. تقسیم‌بندی تفاسیر مربوط به شیعه را نام ببرد.
۵. تفاسیر روایی و غیرروایی را تعریف کند.
۶. سنت را تعریف کند.
۷. ابعاد سنت را نام ببرد.
۸. سیره و حدیث را تعریف کند.
۹. منابع حدیث شیعه را بشناسد.
۱۰. اجماع را تعریف کند.
۱۱. تعریف علمی عقل را بداند.
۱۲. دیدگاه معصومین درباره عقل را بداند.

در هر جهان‌بینی و مکتب و یا حتی در هر رشته خاص علمی منابعی وجود دارد که برای شناخت آن مکتب، باید از آنها استفاده کرد. منابع تغذیه اعتقادی، فلسفی،

اجتماعی، حقوقی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی، مدیریتی و ... مکتب اسلام چیست و چرا باید آنها را شناخت؟

چرا باید منابع اسلامی را بشناسیم؟

برای پاسخ به این سؤال، شناخت فکری اسلام ضروری است. انسان موجودی است کمال‌گرا که در مسیر رشد خود، به تفکر و اندیشه نیازمند است. همان‌طور که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «پس خداوند بزرگ، خاکی از قسمتهای گوناگون زمین را از قسمتهای سفت و نرم، شور و شیرین گرد آورد. آب بر آن افزود تا گلی خالص آماده شود آنگاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده در آمد، دارای نیروی اندیشه، که وی را به تلاش اندازد و دارای افکاری که دیگر موجودات را تصرف نماید».^۱

انسان با این همه تفکر و اندیشه که خداوند در وجودش نهاده است، چگونه می‌تواند در شناخت هدف، و راه رسیدن به هدف خود تعقل ننماید؟ البته مسلمانی که در راه رسیدن به مکتبش قدم به دنیای تفکر و اندیشه می‌گذارد، باید از منابع و متون اسلامی استفاده کند تا به طور صحیح بتواند این دریای بیکران اسلام را بشناسد یکی دیگر از ضرورت‌های شناخت منابع اسلامی این است که تمام ادیان الهی به غیر از اسلام در منابع و متون اندک خلاصه شده‌اند، ولی بالعکس دین اسلام از منابع بسیار گسترده و فراوانی برخوردار است که برای شناخت بهتر اسلام می‌توانیم از آنها استفاده نماییم. از طرف دیگر باید گفت به برکت انقلاب اسلامی، ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که حکومت، حکومت اسلامی است و برای اجرای اسلام باید از منابع استفاده کرد. این منابع در تمام ابعاد به مسلمین دستورات لازم را داده است. فقط کافی است از منابع اسلامی استفاده شایسته به عمل آید.

در بحث مدیریتی که یکی از ابعاد حکومت‌داری در کل جهان است، مبانی و روشها را تعیین کرده و اجرای آن عامل موفقیت مدیر خواهد بود.

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱، ص ۳۷ ترجمه دشتی، چاپ انتشارات مشرقین

منابع و متون اسلامی

منابع فکری در اسلام عبارتند از:

۱. قرآن یا کتاب الله
۲. سنت یا مجموعه گفتار و کردار و شیوه عمل رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)
۳. اجماع
۴. عقل یا رسول باطنی

۱. قرآن کریم

قرآن معجزه پیامبر اسلام (ص) و کتاب هدایت‌گر انسانهاست. قرآن کلام خداوند است برای بندگان متقی. قرآن کتابی است که در بیانات خود هدفی جز راهنمایی مردم به سوی سعادت ندارد و روشنی‌بخش راه انسانهای متقی است؛ خداوند در قرآن چنین فرموده است:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۱

«کتابی را که روشن‌گر همه چیز است، به سوی تو فرستادیم.»

قرآن برای روشن کردن مسائل دینی و تمام مشکلات عقیدتی مردم نازل شده است. همان‌طور که خداوند بزرگ می‌فرماید:

«وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»^۲

«قرآن را به تو نازل کردیم تا آنچه را که از جانب خدا به سوی مردم فرستاده شده است برای آنان روشن‌نمایی» و نیز در جای دیگر می‌فرماید:

«ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۳

«این کتاب بی‌هیچ شک، راهنمایی پرهیزگاران است.»

قرآن کتابی است که انسانها را به تفکر و اندیشه حق وامی‌دارد و آنها را از باطل دور می‌کند. بهترین و بزرگترین منبع اسلامی همین کتاب آسمانی است که هدایتگر

۱. نحل، آیه ۸۹

۲. نحل، آیه ۴۴

۳. بقره، آیه ۲

تمام انسانهاست. حضرت علی (ع) در مورد قرآن چنین می‌فرمایند: «قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد. دریایی است که ژرفای آن درک نشود. راهی است که رونده آن گمراه نشود. شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود ... قرآن معدن ایمان و اصل آن است. چشمه دانش و دریای علوم است. سرچشمه عدالت و رود جاری عدل است ... دانش کسی است که آن را نیک به خاطر بسپارد. حدیث کسی است که از آن روایت کند و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند.»^۱

حضرت درباره قرآن چنین می‌فرمایند:

«خدا را! خدا را! درباره قرآن، مبدا دیگران در عمل کردن به قرآن و دستوراتش از شما پیشی بگیرند.»^۲

آری، کتاب قرآن پشتوانه آیین جهانی و همیشگی اسلام است که چهارده قرن بعد از نزول آن هرگز در آن دخل و تصرفی نشده است و هرگز نخواهد شد. مقام معظم رهبری درباره قرآن چنین می‌فرمایند: «قرآن، صادق مصدق است و ما را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت می‌کند.»^۳

مسلمانان جستجوگر حقیقت، خوب به ضرورت و لزوم کتاب قرآن پی می‌برد. از جانب دیگر باید گفت شناخت این کتاب برای حکومت‌داران اسلامی و مدیران اسلامی بسیار ضروری و لازم است. همان‌طور که حضرت علی (ع) در نامه‌ای به حارث همدانی - که یکی از یاران مخلص امام بود - می‌نویسند: «به ریسمان قرآن چنگ بزن و از آن نصیحت بپذیر. حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار و حقش را که در زندگی گذشتگان بود، تصدیق کن و از حوادث گذشته تاریخ برای آینده عبرت بگیر که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد و همه آنها رفتنی است.»^۴

بنابراین با این همه اوصاف که در وصف قرآن کریم می‌دانیم و می‌شنویم می‌توان آن را اساسی‌ترین منبع دین مبین اسلام به شمار آورد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸، ص ۴۱۹

۲. همانجا، نامه ۴۷، ص ۵۵۹

۳. عبرت‌های عاشورایی، ص ۴

۴. نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۶۱۱-۶۱۷

پس از قرآن به عنوان منبع اصلی شناخت اسلامی کتابهای دیگری مانند کتابهای لغت مخصوص قرآن و حدیث، کشف‌الآیات، کشف‌المطالب، کتب علوم قرآن، ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن که همه این کتابها از نمونه کتابهایی هستند که برای بهتر استفاده کردن از قرآن نوشته شده‌اند.

کتب تفسیر قرآنی

کتابهای تفسیر، کتابهایی هستند که برای فهم بهتر از آیات قرآنی نوشته‌اند. ضرورت وجود این کتابها آنقدر زیاد است که حضرت علی (ع) در فرازی از فرمایشهای خود چنین فرموده‌اند: «این قرآن، خطی است نوشته شده که میان دو جلد پنهان است، زبان ندارد تا سخن بگوید و نیازمند کسی است که آن را ترجمه کند و همانا انسانها می‌توانند از آن سخن گویند»^۱

پس با این سخن به اهمیت تفسیر قرآن پی می‌بریم. اهل تسنن و اهل تشیع هر کدام به نوعی قرآن را تفسیر کرده‌اند؛ الف) تفاسیر سنی، ب) تفاسیر شیعه برای خلاصه کردن مطلب، فقط به تفاسیر شیعه می‌پردازیم؛ تفاسیر از لحاظ روشن و شیوه به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) تفاسیر روایی: در این نوع تفسیر، مفسّر، قرآن را به مدد روایات وارد شده، تفسیر می‌کند؛ که از آن میان می‌توان به تفاسیری نظیر تفسیر نورالثقلین، تفسیر عیاشی، البرهان فی تفسیر القرآن، و... اشاره کرد.

ب) تفاسیر غیرروایی: در این تفاسیر از خود آیات برای تفسیر استفاده می‌کنند؛ یعنی، به‌وسیله آیات دیگر قرآن، آیه را تفسیر می‌کنند؛ مانند مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، الکشاف عن الحقائق التنزیل، تفسیر جلوسین و... که البته بیشتر آنها به جنبه‌های ادبی، فصاحت و بلاغت قرآن پرداخته‌اند و دسته‌های دیگر از این نوع تفاسیر، مانند تفسیر صافی، اسرارالآیات و تفسیر انوارالنیات، تفسیر کاشفی و... که بیشتر قرب کلامی، فلسفی و عرفانی دارند. و دسته‌ای دیگر که همه نکات و جهات فوق را در نظر گرفته‌اند؛ مانند تفسیر تبیان، المیزان فی تفسیر القرآن و

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۵، ص ۲۳۷

۲. سنت

سنت در لغت به معنای روش و رویه، طریقه، سرشت، طبیعت، آیین و شریعت آمده است. ریشه اصلی آن «سن» به معنای راندن، راه بردن در چیزی، تیز کردن و صیقل دادن است. در قرآن کریم «سنة الله» یا «سنت خدا» ترکیبی است که در جهت تبیین روابط پدیده‌ها با خداوند و تشریح قانونمندی جامعه و تاریخ و کیفیت عملکرد آن به کار رفته است. براین اساس سنت‌دار بودن به معنای قانونمند بودن و متضاد بی‌هدفی و بی‌نظامی است.

در قاموس شیعه به مجموعه قول و فعل و تقریر پیامبر اسلام (ص) و سایر معصومین (ع)؛ یعنی، حضرت زهرا (س) و دوازده امام معصوم سنت گفته می‌شود. بنابراین باید گفت که در سنت، زندگی فردی، اجتماعی، شخصیتی، سیاسی، خانوادگی، نظامی و ... پیامبر و خاندان عصمت و طهارتش منعکس است و تحلیل و بررسی و نگاه به زندگی آن عزیزان راه و شیوه‌ای برای عمل کردن مؤمنین است و از این طریق ما الگوی رفتاری خاص اسلامی را به عینه در اختیار داریم.

اگر بخواهیم مطلب و اهمیت آن را بیشتر توضیح دهیم، باید بگوییم که قرآن متن فرمان خدا و اساس دین است و خطوط آن اصول برنامه کلی اسلام را تبیین می‌کند و کمتر به فروع پرداخته شده است. سنت و راه و روش پیامبر و امامان معصوم اجرای این احکام بوده است که مسلماً چون به صورت الگوی رفتاری وجود دارد به احکام جزئی و ریزتر پرداخته‌اند و در اصل باید گفت آنها حقیقت قرآن هستند و حجت خدا بر روی زمین برای آنهایی که می‌خواهند مُسَلِّم واقعی باشند، همین چهارده معصوم هستند. در واقع این عزیزان قرآن مجسم هستند. تمام حرکات و سکنات و گفتار و اعمال آنان برابر قرآن زنده است. اگر خوب به گفته‌ها و رفتارهای این چهارده معصوم بنگریم متوجه می‌شویم که خود آنان بارها فرموده‌اند که ما قرآن مجسم هستیم.

در جنگ صفین هنگامی که سربازان معاویه برای فریب و حيله یاران امام علی (ع)، قرآن به نیزه بردند، سربازان زود باور امام نیرنگ خوردند. و اولین سخنرانی خود بعد از بیعت مردم در مدینه چنین می‌فرمایند: «چپ و راست گمراهی است و راه میانه، راه مستقیم الهی است که قرآن و آثار نبوت، آن را سفارش می‌کنند. و گذرگاه

سنت پیامبر (ص) است و سرانجام، بازگشت همه بدان سو می‌باشد.^۱ در این خطبه حضرت، می‌توان یکی بودن قرآن و سنت را مشاهده کرد و می‌توان به خوبی تعاملی بین قرآن و سنت را نظاره‌گر بود. زیرا اصولاً قرآن در تمام وجود چهارده معصوم پیاده شده است و آنها اجراکننده کامل کلام خداوندگار عالمیان هستند. آن‌قدر قرآن و سنت به یکدیگر پیوسته‌اند که بارها پیامبر اسلام (ص) فرموده است هر مطلب و خبری از ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه دارید، اگر با قرآن مطابقت نکرد به دیوار بزنید.

ابعاد سنت: سنت معصوم دو گونه است

۱. سیره: کل فعالیتها و تلاشهای عملی پیامبر و ائمه معصومین که به منظور به کارگیری دستورات اسلام در شرایط گوناگون زمانی، مکانی اتفاق افتاده، سیره است. یا می‌توان گفت تمام عکس‌العملهای معصومین در حالات مختلف همان سیره و سنت رفتاری آنها است؛ مانند طرز برخورد با خانواده، همسایه، دشمنان، دوستان و ...

۲. حدیث: در کنار همه فعالیتهایی که چهارده معصوم به صورت عکس‌العملهای رفتاری انجام می‌داده‌اند، ایشان صحبتها و سخنرانیهایی هم داشته‌اند که راهگشای مشکلات مسلمین بوده و هست. به این عکس‌العملهای گفتاری، سنت گفتاری یا حدیث می‌گویند.

در این میان باید گفت که احادیثی وجود دارد که دروغین و کذب است و برای شناخت صحیح احادیث باید از راهها و شیوه‌های بسیاری استفاده کرد تا صحیحترین احادیث را استخراج کرده و در دست مشتاقان ائمه قرار داد که این وظیفه سنگین در دست عالمان به علم حدیث و راویان حدیث است؛ معروف‌ترین کتب حدیث شیعه عبارتند از:^۲

۱. اصول کافی: کافی یکی از کتابهای چهارگانه معروف است که توسط شیخ کلینی جمع‌آوری شده است.
۲. من لایحضره الفقیه: که توسط شیخ صدوق جمع‌آوری شده و جنبه فقهی دارد.
۳. تهذیب الاحکام: که توسط شیخ طوسی جمع‌آوری شده است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷، ص ۶۱ - ترجمه دشتی

۲. علی مشکینی، مبانی استنباط، دفتر فرهنگ اسلامی، سال ۷۲

۴. استبصار: که توسط شیخ طوسی جمع‌آوری شده و جنبه فقهی دارد.
 ۵. رسائل الشیعه: که توسط شیخ حرّ عاملی جمع‌آوری شده است.
 ۶. نهج البلاغه: که توسط سید رضی جمع‌آوری شده است.
 ۷. صحیفه سجاده: مشتمل بر ادعیه حضرت سجاد (ع) است.
- در سنت و راه و روش معصومین می‌توان به خوبی از ادعیه‌ها و ذکرهایی که آنها انجام داده‌اند، شیوه و سنت آنها را یافت و پیروی کرد.

۳. اجماع

اجماع در لغت به معنای عزم، و در اصطلاح عبارت است از، اتفاق نظر افراد معتبرالقول در اسلام یا در تشیع بر امری از امور دینی ولو در یک زمان. مفسرین و محققین در این باره می‌گویند: اجماع به اعتبار کشف از قول معصوم؛ یعنی اینکه اگر در یک اتفاق، از قول معصوم به این اجماع رسیده‌اند، اجماع صحیح است. البته باید گفت اجماع خود به تنهایی حجت نیست، بلکه وسیله‌ای برای کشف حجت است.

اجماع، نظر جمعی از علما برای کشف مسئله‌ای است که البته آن مسئله باید قبلاً مطرح شده باشد تا با صلاحدید علما درباره آن بحث شود و به نتیجه برسند. البته باید گفت همه علما باید درباره آن مطلب نظر بدهند، اگر ظاهراً مخالفی نداشت، دلیل بر عدم مخالفت نیست، بلکه دلیل بر این است که هنوز عالمی نسبت به آن اعتراض نکرده است. و نیز همان‌طور که قبل از این گفته شد، اجماع برای کشف حجت است نه برای طرح حجت جدید، مگر اینکه یقین داشته باشیم که امام در بین اجماع‌کنندگان است. در زمان غیبت که امامی در بین امت نیست، اجماعی که بعد از ایشان صورت می‌گیرد وسیله‌ای برای کشف مسئله است، نه طرح مسئله جدید.

۴. عقل یا رسول باطنی

چهارمین منبع اندیشه و تفکر در دین مبین اسلام عقل است. به دو صورت می‌توان عقل را تعریف کرد. اول اینکه: هر کس عاقل است می‌داند که عقل چیست هر چند نتواند آن را به زبان علمی تعریف کند؛ در بسیاری از موارد

انسان چیزی را می‌داند ولی نمی‌تواند تعریفش کند. مثلاً اگر از کسی بپرسند آب چیست؟ مسلماً می‌داند آب چیست، ولی افراد اندکی می‌توانند به صورت علمی آن را تعریف کنند. عقل هم مثل همان است. هر کس عاقل است می‌داند که چیست، ولی نمی‌تواند تعریف علمی آن را بگوید. حضرت علی (ع) درباره عقل می‌فرمایند: «ارزشمندترین بی‌نیازی عقل است».^۱

تعریف علمی عقل: عقل عبارت است از مرکز فکر و اندیشه که از ویژگیهای خاص آن ترکیب و تجزیه، تجرید، انتزاع، تعمیم، تعمیق، مفاهیم ذهنی است. هرکس در وجود خود یک مرکز فکر و اندیشه دارد که جایگاه تفکرات اوست. این مرکز تولیدکننده اندیشه و فکر است به آن عقل می‌گوییم.

بنابراین در بحث شناخت، هر جا که واژه عقل را به کار ببریم، مقصودمان مرکز شعور و شناختهای انسان است. البته نه مطلق شناختها، بلکه شناختهایی که از طریق تفکر و اندیشه برای انسان حاصل می‌شود. تفکر و اندیشه چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت تفکر و اندیشه عبارت است از کار و مسئولیتی که در نظام آفرینش برعهده عقل نهاده شده است.

حضرت علی (ع) درباره عقل چنین می‌فرمایند: «عقل تو را کفایت کند و گمراهی را از رستگاری نشانت دهد».^۲

با این تعریفی که حضرت از عقل ارائه داده‌اند، می‌توان عقل را به پیامبر درونی تشبیه کرد؛ پیامبری که به دنبال رستگاری و هدایت انسان است. پس در احکام و دستورات اسلام می‌توان از عقل به عنوان پیامبر درونی برای هدایت استفاده کرد.

حضرت علی (ع) باز در خطبه‌ای دیگر، درباره عقل چنین می‌فرمایند: «عاقل با چشم دل سرانجام کار را می‌نگرد و پستی و بلندی آن را تشخیص می‌دهد».^۳

و خداوند کریم هم در قرآن، انسانها را فکر و اندیشه واداشته است تا آنان با تفکر و اندیشه در آیات الهی به خداوند و عظمت آن برسند؛ مثلاً در جایی می‌فرمایند:

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۸، ص ۶۳۳

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۱ ص ۷۳۱ ترجمه: دشتی

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴، ص ۲۵۸

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۱

«ما قرآن را به لسان فصیح عربی مقرر داشتیم تا شما در فهم آن تعقل و تفکر کنید.»

و در جایی دیگر می‌فرمایند:

«وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۲

«و مثل کافران در شنیدن چون حیوانی است که آوازش کنند. از آن آواز معنایی درک نکرده و جز صدایی نشنوند. کفار هم از شنیدن و گفتن و دیدن حق کر و گنگ و کورند، زیرا عقل خود را به کار نمی‌بندند.»
پس خداوند با دادن عقل یکی از راههای شناخت حقیقت و منبع درک اسلام را به ما هدیه کرده است.

خودآزمایی

الف) سؤالات تشریحی

۱. منابع فکری در اسلام را به ترتیب نام ببرید؟
۲. تفسیر روایی قرآن را تعریف کنید.
۳. تفسیر غیرروایی را تعریف کرده و دلایل کامل بودن تفسیرالمیزان را بیان کنید.
۴. مفهوم سنت به معنای لغوی آن، از دیدگاه قرآن و شیعه کدامند؟ آنها را بیان کنید.
۵. ابعاد سنت کدامند؟
۶. چهارمین منبع اندیشه و تفکر در دین مبین اسلام کدام است؟ آن را تعریف کنید.
۷. سومین منبع فکری در اسلام اجماع است، آن را تعریف کرده و موارد کاربرد آن را ذکر کنید.
۸. دلایل شناخت منابع اسلامی کدام است؟

۱. زخرف، آیه ۳

۲. بقره، آیه ۱۷۱

ب) چهارگزینه‌ای

۱. کدامیک از گزینه‌های زیر از ضرورت‌های شناخت منابع اسلامی است؟
الف) ضرورت مراجعه به عقل در اسلام
ب) افزایش دانش دینی
ج) افزایش سطح آگاهی‌های عمومی
د) وسعت و گستردگی منابع اسلامی
۲. اساسی‌ترین منبع دین مبین اسلام کدام است؟
الف) قرآن
ب) اجتهاد
ج) عقل
د) اجماع
۳. کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر مفهوم تفسیر روایی قرآن است؟
الف) تفسیر قرآن به وسیله آیات دیگر
ب) تفسیر قرآن به مدد روایات وارد شده
ج) تفسیر قرآن به وسیله آیات و روایات وارد شده
د) تفسیر با توجه به نکات کلامی، عرفانی و...
۴. کدامیک از گزینه‌های زیر بیانگر مفهوم سنت در مذهب شیعه است؟
الف) تبیین روابط پدیده‌ها با خداوند
ب) تشریح قانون‌مندی جامعه و عملکرد آن
ج) قول، فعل و تقریر ائمه اطهار
د) قول، و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) در هر مرحله‌ای از زندگی
۵. از دیدگاه حضرت علی (ع)، گذرگاه سنت پیامبر (ص) کدام گزینه زیر است؟
الف) قرآن و آثار نبوت
ب) مبارزه با فقر و استکبار
ج) راه مستقیم الهی
د) افعال ائمه اطهار
۶. صحبتها و سخنانی چهارده معصوم را به طور اخص چه می‌نامند؟
الف) سنت
ب) اجماع
ج) سیره
د) حدیث